

تحلیل کیفی عوامل بازدارنده مصرف مواد نیروزا در میان ورزشکاران

محسن بیرانوند^۱، حسین رجبی نوش آبادی^{۲*}، سید نصرالله سجادی^۳، مهرزاد حمیدی^۴

تاریخ تصویب: ۹۹/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۴

چکیده

در میان انواع عوامل تهدیدکننده ورزش، ورزشکاران و سازمان‌های ورزشی، استفاده از داروها و مواد نیروزا در بین ورزشکاران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این تهدیدها در نظر گرفته شده است. در سال‌های اخیر همواره مصرف مواد نیروزا به امری شایع در میان ورزشکاران، بخصوص در سطح ورزش حرفه‌ای و قهرمانی مبدل گردیده است که این مورد از موضوعات چالشی در حوزه ورزش و سازمان‌های مرتبط با آن می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر تحلیل کیفی عوامل بازدارنده مصرف مواد نیروزا در ورزشکاران بود. تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های عمیق استفاده شد. بدین منظور با ورزشکاران، مربیان و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی که به‌طور مستقیم درگیر مسأله دوپینگ بودند، مصاحبه به عمل آمد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها با استفاده از روش داده بنیاد، کدگذاری باز و محوری انجام گرفت. تحلیل داده با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شد. در انتها و بر اساس یافته‌ها نیز ۹ عامل، شامل مالی، آموزش، مدیریتی، پشتیبانی و ارتقاء عملکردی، نظارت، پژوهش، اخلاقیات و فرهنگی، رسانه‌های گروهی و تنبیهات، به‌عنوان عوامل بازدارنده مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران معرفی شد.

کلید واژه‌ها: دوپینگ، ورزش حرفه‌ای، مواد نیروزا، مکمل‌های ورزشی، آنتی دوپینگ.

Email: mohsen_bira@yahoo.com

۱. دکترای مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران

Email: horajabi@ut.ac.ir

۲. استادیار مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران*

Email: nsajjadi@ut.ac.ir

۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: mhamidi@ut.ac.ir

۴. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

ورزش از جنبه‌های مختلفی، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بسیاری از مردم و سازمان‌ها را به شیوه‌های گوناگون درگیر خود ساخته است. دیدگاه مدرن در ورزش مبتنی بر این فرضیه است که ورزش ذاتاً خوب و پاک است و بر این مسئله تأکید دارد که این خوبی و پاکی ذاتی ورزش می‌تواند به کسانی که با آن در ارتباطند منتقل شود و همین امر می‌تواند منجر به بهبود وضع جوامع و پیشرفت افراد شود (کوکلی^۱، ۲۰۱۵). ورزش فرصت‌هایی برای حرکت اجتماعی خلق کرده و به ملت‌ها امکان متحدشدن در پشت ورزشکاران خارق‌العاده را در زمان‌های مشکلات و بدبختی داده، محرک نوآوری‌های تکنولوژیکی بوده و به افراد الهام بخشیده تا مرزهای عملکرد انسانی را بیازمایند (کاویانی‌فرد و کاویانی‌فرد، ۱۳۹۸). در میان انواع مختلف تهدیدات ورزش، استفاده از داروها در مسابقات به صورت گسترده‌ای از مهم‌ترین تهدیدات محسوب می‌شوند. تلاش برای مدیریت صداقت در ورزش از طریق مدیریت دارو در ورزش، باعث شده این حوزه به عنوان مهم‌ترین تهدید عمده از منظر نهادهای ورزشی و دولت‌ها محسوب شود. اهمیت تهدید ایجاد شده به واسطه دارو در ورزش باعث شده هم نهادهای ورزشی و هم دولت‌ها به سمت همکاری بین‌المللی سوق پیدا کنند که در خیلی از حوزه‌های دیگر روابط بین‌المللی، این سطح همکاری قابل مشاهده نیست. در این راستا، نگاهی اجمالی به عرصه‌های ورزشی در سال‌های اخیر نشان دهنده‌ی این واقعیت تلخ و ناگوار است که مصرف داروها، هورمون‌ها، مواد غیرمجاز و محرک روز به روز بیشتر می‌شود، لذا یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که ورزش را در سطح ملی و بین‌المللی تهدید می‌کند، افزایش استفاده از داروهای نیروزا است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۴). لذا افزایش استفاده از مواد نیروزا، گستردگی و تنوع و پیامدهای ناگوار مصرف این قبیل مواد موجب شد که سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ در ورزش را به تصویب برساند که دولت جمهوری اسلامی ایران هم به آن ملحق شد (یونسکو^۲، ۲۰۱۴). اما در کشورمان به موازات رشد ورزش حرفه‌ای و آماتور و نیز بهبود چشمگیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی ورزشکاران خبره، پدیده‌ی دوپینگ به طور روزافزونی افزایش یافته و مشکلات زیادی برای ورزش کشور به بار آورده است (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی در سطح جهانی نیز رسوایی‌های دوپینگ تعدادی از ورزش‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و این حوادث تهدیدی برای یکپارچگی ورزش در سطح ملی و جهانی محسوب می‌شود. به همین دلیل، سازمان‌های ورزشی و دولت‌ها قوانین و مقررات را معرفی کرده‌اند تا از این طریق استفاده از داروهای غیرمجاز افزایش دهنده‌ی عملکرد ورزشی و غیرورزشی را ممنوع کنند. بنابراین، می‌توان چنین اذعان داشت که عدم تعهد سازمانی، متفاوت و گسترده بودن نظرات و ایده‌ها برای مدیریت مقابله با دوپینگ، عدم وجود اطلاعات قابل اعتماد و موثق و داده‌های تجربی برای طراحی و اجرای سیاست مناسب برای دوپینگ باعث شده‌اند که راهبردهای مؤثر برای مقابله با دوپینگ در ورزش به تعویق بیفتد (انگلبگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). از این رو، پژوهش حاضر در راستای تحقق راهبردهای مؤثر برای مقابله با دوپینگ در ورزش با هدف آسیب‌شناسی دوپینگ در بین ورزشکاران ملی و مدیریت پیشگیری از آن انجام می‌شود.

بر اساس قانون جهانی ضد دوپینگ^۴ (وادا^۵، ۲۰۱۵)، هر نوع ماده یا روشی برای افزایش عملکرد که ویژگی‌هایی نظیر پتانسیل افزایش عملکرد، تهدید سلامتی و تخطی از روح ورزش را دارا باشند، به عنوان نقض قانون ضد دوپینگ شناخته می‌شود. یکی از نخستین تعاریف سازمانی در سال ۱۹۶۷ توسط کمیته بین‌المللی المپیک و به این صورت ارائه شده است: استفاده از مواد و تکنیک‌ها به هر شکل یا کمیت نامعمول یا غیرطبیعی برای بدن با نیت کلی رسیدن به افزایش مصنوعی و غیرشرافتمندانه کارایی در رقابت. هم‌چنین، در تعریف دیگری، استفاده از مواد غیرمجاز برای افزایش عملکرد ورزشی، دوپینگ شناخته می‌شود

1. Coakley
2. Unesco
3. Engelberg
4. WorldAnti-Doping Code
5. WADA(world Anti Doping Agency)

(کاووسانو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). امروزه آژانس جهانی ضد دوپینگ، تعریف جامع‌تری ارائه داده است و دوپینگ را به‌عنوان وقوع یک یا چند تخلف از قوانین ضد دوپینگ به شرح ذیل قلمداد می‌کند: وجود یک ماده غیرمجاز یا متابولیت‌ها یا نشانگرهای آن در نمونه اخذ شده از ورزشکار؛ استفاده یا اقدام به استفاده از یک ماده یا روش غیرمجاز؛ امتناع، غیبت یا طفره رفتن از شرکت در نمونه‌گیری بدون دلایل قانع‌کننده. برخورداری از اطلاعات در حوزه دوپینگ به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر عدم تمایل به دوپینگ می‌باشد. دونکان، هالوارد و الکساندر^۲ (۲۰۱۸) اشاره داشتند که آگاهی افراد در خصوص دوپینگ سبب می‌گردد تا ورزشکاران به شکل کنترل شده‌ای در خصوص مواد نیروزا عمل نمایند. در همین زمینه اطلاعات از مواد نیروزا و وجود دانش مناسب نسبت به این مواد در میان ورزشکاران ضروری می‌باشد. آنان مشخص نمودند که بهبود برنامه‌های فرهنگی سبب می‌گردد تا در مرحله اول دانش و اطلاعات ورزشکاران در خصوص مواد نیروزا ارتقاء یابد و از منظر ارزشی، ورزشکاران را تحت شعاع قرار دهد. این مسأله سبب می‌گردد تا ویژگی‌های روانی ورزشکاران جهت عاری نمودن خود از مواد نیروزا و دوپینگ را بهبود دهد.

کیسیک و کورتی^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی نشان دادند اعلام عمومی موارد تخطی از قوانین دوپینگ در ورزش منجر به کاهش تقاضای مصرف‌کننده برای رویدادهای ورزشی می‌گردد. سانجز^۴ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که دانشجویان علوم ورزشی کشور اسپانیا نسبت به دوپینگ رویکرد منفی داشتند و دانشجویانی که به‌صورت مبتدی ورزش می‌کردند نگرش‌شان نسبت به استفاده از مواد نیروزا از لحاظ رشته‌ی ورزشی تفاوت معناداری نداشت. کاپلند^۵ و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان دادند که عوامل شناختی و عوامل زمینه‌ای سازمانی و از جمله سیاست‌ها، رهبری، جو اخلاقی نقش مهمی را در تصمیم‌گیری اخلاقی درباره‌ی بحران دوپینگ دارند. هولیهان^۶ (۲۰۱۴) اذعان می‌دارد که مهم‌ترین چالش و مشکل تضعیف‌کننده‌ی اقدامات ضد دوپینگ مربوط به عدم تعهد برخی از دولت‌ها و فدراسیون‌های بین‌المللی مهم است.

هاگ^۷ و همکاران (۲۰۱۳) مکانیسم‌های روان‌شناختی مربوط به دوپینگ در ورزش را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که بین جو کنترلی، انگیزش کنترلی شده با نگرش نسبت به استفاده از مواد نیروزای افزایش دهنده‌ی عملکرد، رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، عدم تعهد اخلاقی بر نگرش نسبت به دوپینگ در ورزش تأثیر مثبت معناداری داشت.

اریکسون^۸ و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای پیش‌بینی‌کننده‌ی دوپینگ در ورزش را در بین دانشجویان ورزشکار، در چهار عامل شناسایی کردند: (۱) مقابله‌ی مستقیم با مصرف‌کننده‌ی مواد نیروزا، (۲) گزارش به سایر افراد (مسئولان و مربیان)، (۳) گزارش به افسران ضد دوپینگ و (۴) بی‌توجهی به رفتار. کاووسانو و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان مقیاس عدم تعهد اخلاقی در دوپینگ نشان دادند که عدم تعهد اخلاقی رابطه‌ی مثبت معناداری با تمایل به استفاده از مواد نیروزا در بین ورزشکاران دارد. بادیا^۹ (۲۰۱۶) عوامل اجتماعی مرتبط با قصد دوپینگ در ورزش در باشگاه‌ها و انجمن‌ها را بررسی کرد. نتایج حاکی از توزیع پیچیده‌ی عوامل محیطی - اجتماعی از جمله خانواده، طبقات اجتماعی و مؤسسات حرفه‌ای، گروه اوقات فراغت، تیم ورزشی، باشگاه‌های ورزشی و نمایندگان اجتماعی بر ورزشکاران بود. همچنین نتایج نشان داد که میزان دوپینگ و استفاده از مواد افزایش دهنده‌ی عملکرد در بین ورزشکاران بالا بوده است و ورزشکاران دوپینگ را یک رفتار منطقی و آگاهانه می‌دانستند. اریکسون و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل کیفی عوامل بازدارنده‌ی ورزشکاران از دوپینگ در ورزش دریافتند عوامل بازدارنده‌ی فردی و موقعیتی مهم‌ترین شاخص‌ها هستند. عوامل فردی عبارت بودند از:

1. Kavussanu
2. Duncan, Hallward & Alexander
3. Cisyk, J., & Courty, P.
4. Sánchez
5. Copeland
6. Houlihan
7. Hodge
8. Erickson
9. Badea

مقاومت اخلاقی قوی در مقابل تقلب، هویت فراتر از ورزش، خودکنترلی، مقاومت در برابر فشارهای گروه‌های اجتماعی. عوامل موقعیتی نیز عبارت بودند از: دل‌بستگی به مردم در تمام مراحل زندگی ورزشی که باعث افزایش تصمیم‌گیری اخلاقی و توسعه‌ی رفتارهای ضد‌دوپینگ می‌شود. برادلی و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان دوپینگ در ورزش‌های تیمی و انفرادی: بررسی کیفی عدم تعهد اخلاقی و فرآیندهای مرتبط به این نتیجه دست یافتند که مکانیسم‌های روانی در عدم تعهد اخلاقی ورزشکاران تأثیر مثبت معناداری دارد. کاشی و همکاران (۱۳۹۶) در نتایج فراتحلیل انجام شده در زمینه مصرف مواد نیروزا در ورزشکاران ایرانی نشان دادند برآورد نقطه‌ای مصرف مواد نیروزا بر اساس مدل تصادفی در مردان ورزشکار ایرانی ۹/۶۳ درصد و در دامنه‌ای بین ۶/۵۰ تا ۳/۷۵ درصد در نوسان است. همچنین شیوع مصرف مواد نیروزا در زنان ورزشکار جامعه ایرانی در یک برآورد نقطه‌ای بر اساس مدل ثابت برابر با ۳/۲۸ درصد و در برآورد دامنه‌ای در دامنه ۳/۲۵ تا ۴/۳۱ درصد بود. بیشترین میزان شیوع مصرف این مواد به ترتیب بین ورزشکاران رشته بدنسازی، وزنه‌برداری، کشتی، شنا و دو و میدانی بود. نتایج تحقیق کاشی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد مصرف مواد نیروزا و دوپینگ واقعیتی انکارناپذیر بوده و امروز تنها مختص مردان ورزشکار در برخی از رشته‌ها نیست. دامنه این شیوع در زنان ورزشکار و جمعیت بسیار گسترده‌ای از ورزشکاران رشته‌های مختلف می‌باشد. بنابراین در صورت عدم توجه مسئولین، سیاستمداران و برنامه‌ریزان به این موضوع هر روز شاهد آسیب بیشتر جوانان و نوجوانان کشور خواهیم بود.

با توجه به اهمیت و نقش ورزش در حوزه‌ی بین‌المللی و حضور ورزشکاران بدون دوپینگ در رویدادهای بین‌المللی به نظر می‌رسد دست‌یابی به این امر در گرو شناسایی عوامل ایجاد این پدیده می‌باشد، این معضل در اکثر رشته‌های ورزشی مشکلاتی را برای ورزشکاران، تیم‌ها و فدراسیون‌ها در سطوح مختلف ایجاد کرده است، اخبار و آمار محرومیت‌های سنگین، بلندمدت و ممنوع از فعالیت شدن برخی از ورزشکاران در رشته‌های مختلف ورزشی حاکی از ارتکاب به دوپینگ می‌باشد، به نظر می‌رسد هم‌چنان شکاف اصلی در مقابله با پدیده دوپینگ، عدم وجود یک برنامه‌ی جامع و یکپارچه برای شناسایی دلایل و نبود راهکارهای مدیریتی و پیشگیری از این پدیده می‌باشد، لذا هدف اصلی در پژوهش حاضر شناسایی عوامل بازدارنده و سازمان‌های درگیر در موضوع دوپینگ در کشور است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های عمیق، باز و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. جامعه‌ی آماری این تحقیق رؤسای فدراسیون‌ها، مربیان و ورزشکاران رشته‌های وزنه‌برداری، دوچرخه سواری، کشتی، دومیدانی و بسکتبال بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود و مصاحبه‌ها با ۳۰ نفر و تا حد اشباع نظری صورت گرفت. فرایند اجرای پژوهش بدین گونه بود که سؤالات مصاحبه تهیه و به تأیید تیم پژوهش رسید. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا با ورزشکارانی که سابقه‌ی محرومیت به دلیل دوپینگ داشتند مصاحبه انجام شد. این مصاحبه‌ها در محل تمرین ورزشکاران و به صورت انفرادی صورت گرفت. برای انجام مصاحبه با مدیران فدراسیون‌ها به محل دفتر کار آنها مراجعه نموده و نسبت به انجام مصاحبه‌ها اقدام شد. کلیه‌ی مکالمات ضبط و روی کاغذ پیاده شد. کسب اجازه از افراد برای ضبط مصاحبه‌ها، دریافت رضایت آگاهانه از انتشار داده‌ها، آگاهی دادن به مصاحبه شونده از محرمانه بودن اطلاعات و تعهدات اخلاقی در همه‌ی مصاحبه‌ها مدنظر قرار گرفت. در ادامه پس از پیاده سازی مصاحبه‌ها، تحلیل آنها به روش داده بنیاد^۱ و با رویکرد گلیزری و برمنبای کدگذاری باز و محوری انجام گرفت. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2018 مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق نمونه‌گیری به حدی انجام گردید تا مفاهیم در موقعیت باز کشف گردد، سپس مفاهیم بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه نشان دادند که تعداد ۲۰۴ کد باز از میان ۳۵۴ مفهوم شناسایی شده است که در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت. شکل (۱) که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2018 به دست آمده است، تصویری کلی از نظرات ۷ مصاحبه شونده را برای هر مقوله نشان می‌دهد. به این صورت که در این شکل ۳۰ ستون موجود است و هر ستون مربوط به یک مصاحبه شونده است. در هر ستون برای هر مصاحبه شونده ۵ مربع برای ۵ مقوله داریم. هرچه این مربع بزرگتر باشد، آن مقوله از نظر آن مصاحبه شونده با اهمیت‌تر بوده است. به طور کلی این شکل، تصویری کلی از فراوانی مقوله‌های شناسایی شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱: تصویری کلی از نظرات مصاحبه شونده‌گان در مورد مقولات

در شکل (۲) نتایج حاصل از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و فراوانی عوامل بازدارنده گرایش به مصرف مواد نیروزا ارائه شده است.

عوامل بازدارنده	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	
عوامل بازدارنده																															
مالی	4	2				1	1		2		1	2	1			1															
آموزش						1		1			2	8	4	2	4	1	1	2	6	1	3	1	1			3	6	4			
مدیریتی						1	1				3	1	1	1	1	2	2		3	1		2	1	1		1	1	1			
پشتیبانی و ارتقاء عملکردي						1		3		3	1	1	2		1	1										2	2	1			
نظارت						1	2	2		2	1	1						2	1			1			1	2	2	1			
پژوهش													1	1	1	1	1	1	1												
اخلاقیات و فرهنگي	2	3	2			1	1	1	1		1	1	3	2	2	1	3	3	1	3	1	3	3	2		6	1	4			
رسانه هاي گروهی	2	1							1		1	1	1	1		2	1	1	1			1		1	1	2	1	1			
تنبيهات	2	1	1			1	2	2	1		1							2	2	1											

شکل ۲: فراوانی هر یک از زیرمقوله‌های مربوط به مقوله عوامل بازدارنده

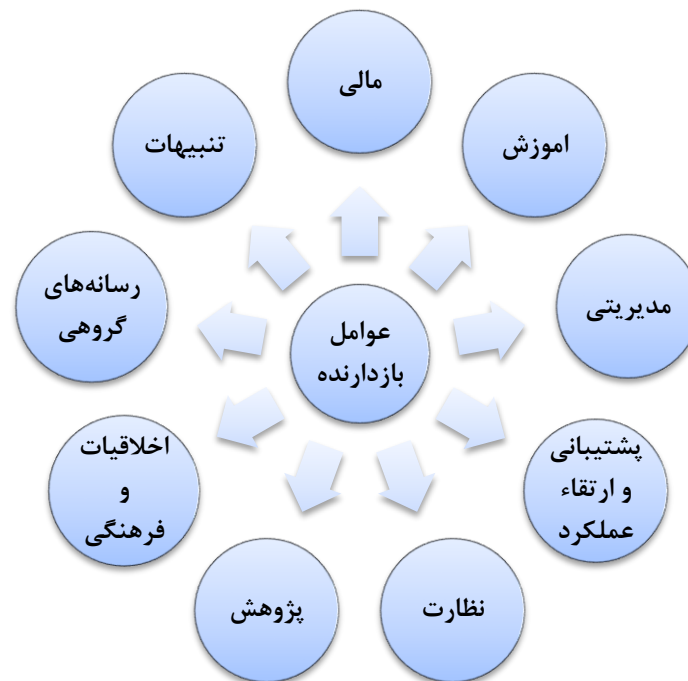
در شکل فوق، فراوانی هر یک از زیرمقوله‌های مربوط به مقوله عوامل بازدارنده را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این شکل ملاحظه می‌شود، برای دوپینگ ۹ عامل بازدارنده شناسایی شده است که عبارتند از:

۱. مالی
 - ۱.۱. هدفمند هزینه نمودن بودجه‌های مبارزه با دوپینگ
 - ۱.۲. طرح‌های تشویقی برای ورزشکاران پاک بدون سابقه
 - ۱.۳. حمایت از شرکت‌های داخلی تولیدکننده مکمل با حفظ منافع فدراسیون
 - ۱.۴. تأمین اعتبار برای راه‌اندازی آزمایشگاه و اخذ تست‌های بیشتر
 - ۱.۵. افزایش جرایم مالی
 - ۱.۶. جبران خسارت وارده از سوی ورزشکار با ضمانت‌های دریافتی قبل از اعزام
 - ۱.۷. تغییر رویه پرداخت جوایز به صورت ماهیانه
 - ۱.۸. تأمین آینده شغلی مربیان و ورزشکاران
 - ۱.۹. هزینه شدن جرایم برای تولید علم، روش‌های جایگزین و آموزش
 - ۱.۱۰. تأمین بودجه‌های مبارزه با دوپینگ (کلاس‌های آموزشی، افزایش تست)

- ۱.۱۱. تهیه مکمل‌های مجاز و استاندارد برای ورزشکاران و روش‌های جایگزین
- ۱.۱۲. اهدای جوایز به کلیه نفرات اعزامی
۲. آموزش
 - ۲.۱. ترجمه آخرین لیست داروهای ممنوعه و در اختیار گذاشتن برای همه به صورت
 - ۲.۲. یکسان سازی مطالب آموزشی در کلیه مراحل
 - ۲.۳. الزام شرکت در کلاس آنتی دوپینگ برای افتتاح باشگاه ورزشی
 - ۲.۴. به روز رسانی شیوه‌های آموزشی حسب نیاز و علاقه قشر جوان
 - ۲.۵. استفاده از نمونه‌های عینی در تهیه مستندات مضرات دوپینگ
 - ۲.۶. آشنایی خانواده‌ها با مقوله دوپینگ قبل از شروع ورزش فرزندشان
 - ۲.۷. آموزش تأثیرات منفی دوپینگ روی نوجوانان
 - ۲.۸. آموزش نفر به نفر
 - ۲.۹. استفاده از ورزشکاران صحنه‌گذار جهت تهیه برنامه‌های آموزشی
 - ۲.۱۰. الزام طی دوره‌های آموزشی جهت صدور و تمدید کارت مربیگری
 - ۲.۱۱. تغییر سبک زندگی و توجه به سالم زندگی کردن
 - ۲.۱۲. اهمیت بالای آموزش اولیه توسط مربی استعدادیاب
 - ۲.۱۳. آگاهی دادن کلیه نفرات دخیل از آثار مخرب دوپینگ در سطح کشور و جهان
 - ۲.۱۴. معرفی روش‌های جایگزین برای ورزشکاران حرفه‌ای
 - ۲.۱۵. استمرار و پیوستگی مراحل آموزشی از مدارس تا مدارج مدیریتی
 - ۲.۱۶. ارتقای سطح علمی ورزشکاران و مربیان
 - ۲.۱۷. آموزش آشنایی با مضرات دوپینگ در کتب مدارس
۳. مدیریتی
 - ۳.۱. تأسیس سامانه پاسخگویی ۲۴ ساعته به ورزشکاران در مورد ابهامات آنها
 - ۳.۲. حمایت از مکمل‌های ساخت کشور
 - ۳.۳. ایجاد اتاق فکر با حضور متخصصین و برگزاری جلسات برای مبارزه
 - ۳.۴. داشتن لیگ پویا با قراردادهای بالا
 - ۳.۵. حساسیت در انتخاب کادر فنی و نفرات حاضر در کنار ورزشکاران
 - ۳.۶. راه‌اندازی آزمایشگاه جهت شناسایی ورزشکاران پرخطر بدون محرومیت
 - ۳.۷. ارتباط کمیته‌های پزشکی و آنتی دوپینگ با فدراسیون پزشکی ورزشی
 - ۳.۸. حمایت از افراد مستعد در سنین پایین و تبدیل آنها به ورزشکار نخبه
 - ۳.۹. هم‌افزایی توسط چندین وزارتخانه برای مبارزه
 - ۳.۱۰. تغییر روند مسابقات و اهدای جوایز به کلیه شرکت‌کنندگان نه صرفاً نفر
 - ۳.۱۱. انتخاب مدیرانی از جنس آن ورزش و آگاه به کلیه مسایل
 - ۳.۱۲. عدم پیوند موفقیت با هر وسیله‌ای با ایجاد ثبات مدیریت
 - ۳.۱۳. استقرار فرآیند استعدادیابی جسمی و روحی
 - ۳.۱۴. برنامه‌ریزی بلندمدت
۴. پشتیبانی و ارتقاء عملکردی
 - ۴.۱. برگزاری شرایط مناسب اردویی

- ۴,۲. استفاده از دوپینگ تکنولوژی برای بهبود عملکرد
- ۴,۳. بدنسازی اختصاصی برای هر ورزشکار و هر رشته جداگانه
- ۴,۴. استفاده از ارز دولتی جهت ورود مکمل استاندارد به کشور با قیمت مناسب
- ۴,۵. آموزش نحوه استفاده صحیح مکمل‌های ورزشی
- ۴,۶. در اختیار گذاشتن مکمل مناسب برای ملی پوشان
- ۴,۷. استفاده از دارونما در بعضی مواقع
- ۴,۸. استفاده از پزشک تغذیه، روانشناس ورزشی، فیزیوتراپ و ماساژور
- ۴,۹. تأمین تجهیزات و محل تمرین استاندارد برای ورزشکاران
۵. نظارت
- ۵,۱. استفاده از هرگونه دارو اعم از مکمل یا درمانی با مشورت پزشک معتمد
- ۵,۲. اخذ تست در دوران تمرینات نه صرفاً در مسابقات
- ۵,۳. انجام اخذ تست دوپینگ در سطح استان‌ها زیر نظر هیئت‌های ورزشی
- ۵,۴. بررسی عملکرد ملی پوشان
- ۵,۵. اخذ تست حتماً قبل از هر اعزام
- ۵,۶. تمرکز روی پیشگیری نه مچ‌گیری
- ۵,۷. عدم سابقه دوپینگ لازمه صدور و تمدید کارت مربیگری
- ۵,۸. نظارت بیشتر بر باشگاه‌ها مخصوصاً باشگاه‌های بدنسازی
- ۵,۹. عدم حاشیه امنیت برای ورزشکاران در طول سال
- ۵,۱۰. حساسیت خانواده‌ها در انتخاب مربیان سالم
- ۵,۱۱. تست‌گیری هوشمندانه و بدون هماهنگی
- ۵,۱۲. عدم تبعیض در برخورد با خاطیان
- ۵,۱۳. تهیه پاسپورت بیولوژیک و نگهداری نمونه تا ۱۰ سال بعد
۶. پژوهش
- ۶,۱. آسیب‌شناسی محل‌های پرخطر و نظارت بیشتر بر آنها
- ۶,۲. انجام کارهای پژوهشی در خصوص روش‌های جایگزین دوپینگ
- ۶,۳. تهیه کتاچه و پوستر به زبان ساده و کاربردی از مطالعات انجام شده
- ۶,۴. ریشه‌یابی در بین افراد دوپینگی جهت علل گرایش، روش دستیابی، نفرت
- ۶,۵. انجام امور پژوهشی در خصوص شرایط جامعه و تغییر باورهای ورزشکاران
۷. اخلاقیات و فرهنگی
- ۷,۱. ارتباط نزدیک بین مربی و ورزشکار و ایجاد اعتماد بین طرفین
- ۷,۲. تهیه و تأکید بر منشور اخلاقی برای ورزشکاران مخصوصاً نوجوانان
- ۷,۳. هیچ کس خود را بی‌نیاز از آموزش نداند
- ۷,۴. خودشناسی ورزشکار و پی بردن به نقاط ضعف و قوتش
- ۷,۵. سلامتی و آبرو فرد بالاتر از مسائل مالی
- ۷,۶. واقف شدن مدیران بر ارتقای کیفیت و کمیت مدیریت با مبارزه با دوپینگ
- ۷,۷. بلامانع بودن ادامه فعالیت افراد دوپینگی بعد از محرومیت
- ۷,۸. پاسخگو بودن مأموران نادو بدون قضاوت ورزشکاران

- ۷,۹. ارزش نهادن به خوب تلاش کردن نه صرفاً نتیجه گرفتن
- ۷,۱۰. ایجاد باور قلبی ورزشکاران با تغذیه استراحت و مکمل مناسب جایگزین آن
- ۷,۱۱. گرایش کمتر افراد مذهبی و معتقد
- ۷,۱۲. معرفی الگوهای مناسب که در قید حیات هستند
- ۷,۱۳. کسب مدال همه چیز نیست
- ۷,۱۴. کاهش اهمیت مدال آوری از سوی جامعه و خانواده
- ۷,۱۵. موقت بودن و کوتاهی عمر قهرمانی
- ۷,۱۶. سلامتی و انجام فعالیت‌های ورزشی در اولویت باشد نه مدال گرفتن
- ۷,۱۷. مثبت بودن استفاده از مکمل‌های مجاز و استاندارد
- ۷,۱۸. توجه به منش پهلوانی و ورزش پاک
- ۷,۱۹. عدم توانایی دستیابی کلیه ورزشکاران به سکوی جهانی
- ۷,۲۰. فرهنگ سازی تا عدم استفاده ورزشکار حتی بدون نظارت
۸. رسانه‌های گروهی
- ۸,۱. به تصویر کشیدن زحمات قهرمانان پاک
- ۸,۲. استفاده از ورزشکاران صحنه‌گذار در برنامه‌های آموزشی
- ۸,۳. تهیه برنامه‌های مستند در خصوص مضرات دوپینگ
- ۸,۴. تأثیر بالای آموزش از طریق رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی
۹. تنبیهات
- ۹,۱. مانور بیشتر رسانه‌ها بر افراد خاطی و اعمال محرومیت آنها
- ۹,۲. تغییر اعمال جرایم و استفاده از پتانسیل افراد در راه مبارزه با دوپ
- ۹,۳. مشخص نمودن و تنبیه مسببین
- ۹,۴. فرد پاسخگوی یک ملت باشد نه یک سازمان خاص
- ۹,۵. سنگینی جرایم و محرومیت برای مربیان نوجوانان
- ۹,۶. جبران خسارت از طریق ضمانت نامه ورزشکار خاطی
- ۹,۷. تنبیه و تشویق در کنار هم
- ۹,۸. افزایش جرایم و محرومیت‌ها



شکل ۳: مدل عوامل بازدارنده مصرف مواد نیروزا در میان ورزشکاران

همان‌طور که در این شکل نیز ملاحظه می‌شود، برای دوپینگ ۹ عامل بازدارنده شناسایی شده است که عبارتند از: عوامل مالی، آموزش، مدیریتی، پشتیبانی و ارتقاء عملکرد، نظارت، پژوهش، اخلاقیات و فرهنگی، رسانه‌های گروهی و تنبیهات.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به منظور شناسایی عوامل بازدارنده استفاده از مواد نیروزا در بین ورزشکاران ایران، با ۳۰ نفر از ورزشکاران، مدیران و مسئولان ورزشی مصاحبه شد. بر طبق نتایج حاصل از پژوهش حاضر که بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان به دست آمد برای دوپینگ ۹ عامل بازدارنده شناسایی شد.

با توجه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های به عمل آمده؛ عوامل اخلاقی و فعالیت‌های فرهنگی با فراوانی ۴۷ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از اقدام به دوپینگ در میان ورزشکاران شناسایی شد که شامل ارتباط نزدیک بین مربی و ورزشکار و ایجاد اعتماد بین طرفین، تهیه و تأکید بر منشور اخلاقی برای ورزشکاران مخصوصاً نوجوانان، خودشناسی ورزشکار و پی‌بردن به نقاط ضعف وقوتشان، واقف شدن مدیران بر ارتقاء کیفیت و کمیت مدیریت در مبارزه با دوپینگ، ارزش نهادن به خوب تلاش کردن نه صرفاً «نتیجه گرفتن»، ایجاد باور قلبی ورزشکاران با تغذیه، استراحت و مکمل مناسب جایگزین آن، گرایش کمتر افراد مذهبی و معتقد، کاهش اهمیت مدال‌آوری از سوی جامعه و خانواده، توجه به منش پهلوانی و ورزش پاک و فرهنگ سازی می‌شود. این عوامل می‌توانند موجب عدم استفاده ورزشکار از مواد نیروزا، حتی بدون نظارت از بازدارنده‌های دوپینگ باشند. این نتیجه با نتایج مطالعه دیوکان (۱۳۹۵) همسو است. او در مطالعه خود به «بررسی نقش فاکتورهای آموزشی، ورزشی و باورهای دینی بر مستعد دوپینگ بودن ورزشکاران نخبه بر مدیریت پیشگیری از دوپینگ» پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که متغیر پیشبین باورهای دینی با متغیر ملاک مستعد دوپینگ بودن ارتباط معناداری دارد. کاواسانو و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان مقیاس عدم تعهد اخلاقی در دوپینگ نشان دادند که عدم تعهد اخلاقی رابطه‌ی مثبت معناداری با تمایل به استفاده از مواد نیروزا در بین ورزشکاران دارد. هاگ و همکاران (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی نشان دادند که عدم تعهد اخلاقی بر نگرش نسبت به دوپینگ در ورزش تأثیر مثبت معناداری دارد. همچنین استفاده از شیوه‌های آموزشی با فراوانی ۴۷ یکی

دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد اشاره‌ی مصاحبه‌شوندگان برای جلوگیری از دوپینگ بود. نتایج مطالعه اورنگ (۱۳۹۴) نیز نشان داد که عامل عدم آگاهی تأثیر بسزایی در گرایش به مکمل‌ها و مواد نیروزا دارند. بنابراین با آموزش صحیح و آگاهی بخشی به ورزشکاران در مورد خطرات و پیامدهای استفاده از مواد نیروزا می‌توان آنها را از پیشروی به این سمت بازداشت. حمایت، برنامه‌ریزی، توجه به بهداشت روانی و دیگر اقدامات مدیریتی با فراوانی ۲۱ نیز در بازدارندگی از مصرف مواد نیروزا تأثیر به‌سزایی دارند. در زمینه مدیریت و آماده‌سازی روانی ورزشکاران از طریق روانشناسان احمدیان و همکاران (۱۳۹۶) طی تحقیقی نشان دادند که هر چقدر میزان مهارت‌های روانی در ورزشکاران بیشتر باشد میزان رفتارهای دوپینگ کمتر خواهد بود. به تصویر کشیدن زحمات قهرمانان پاک، استفاده از ورزشکاران صحنه‌گذار در برنامه‌های آموزشی، تهیه برنامه‌های مستند در خصوص مضرات دوپینگ، تأثیر بالای آموزش از طریق رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با فراوانی ۱۸ در رده بعدی عوامل بازدارنده قرار می‌گیرند. ایگرز^۱ (۲۰۱۰) نیز در همین راستا به اثربخشی رسانه‌های گروهی در پیرامون تبلیغات بر علیه استفاده از مواد نیروزا پرداخته است. در واقع رسانه به‌عنوان یکی از عوامل آموزش و فرهنگ‌سازی به‌شمار رفته و با آن هم‌پوشانی دارد.

اقدامات نظارتی با فراوانی ۱۷ عامل مهم دیگری به‌شمار می‌آید که می‌توان آن را از روش‌هایی نظیر اخذ تست در دوران تمرینات نه صرفاً در مسابقات، بررسی عملکرد ملی پوشان، اخذ تست حتماً قبل از هر اعزام، عدم سابقه دوپینگ لازمه صدور و تمدید کارت مربیگری، نظارت بیشتر بر باشگاه‌ها مخصوصاً باشگاه‌های بدنسازی، عدم حاشیه امنیت برای ورزشکاران در طول سال و تهیه پاسپورت بیولوژیک و نگهداری نمونه تا ۱۰ سال بعد اجرایی نمود. در همین راستا مارتینیوز^۲ (۲۰۰۷) در بخشی از تحقیق خود به نقش نظارت دقیق و مداوم بر ورزشکاران در تمرینات، اردوها و مسابقات اشاره دارد. وی در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که اقدامات دقیق نظارتی می‌تواند تا حد قابل توجهی تمایل ورزشکاران را برای اقدام به دوپینگ کاهش دهد. در نتیجه تحلیل داده‌های حاصله، تنبیهات نیز با فراوانی ۱۷ یکی دیگر از عوامل بازدارنده تلقی شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش اریکسون و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. آنان در پژوهشی به بررسی نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای پیش‌بینی‌کننده بر دوپینگ در ورزش در بین دانشجویان ورزشکار پرداختند و نشان دادند که چهار عامل: مقابله‌ی مستقیم با مصرف‌کننده‌ی مواد نیروزا، گزارش به سایر افراد (مسئولان، مربیان و...)، گزارش به افسران ضد دوپینگ و بی‌توجهی به رفتار تأثیر بسزایی در جلوگیری از دوپینگ دارند.

پشتیبانی و ارتقاء عملکرد هم با فراوانی ۱۷ نشان داد که پشتیبانی‌های غیر مالی می‌توانند حتی از پشتیبانی‌های مالی بسیار مهم‌تر و اثرگذارتر باشند. گرچه این موضوع خلاف نتایج مقاله ساتیرادو و شیلبری^۳ (۲۰۰۹) را نشان می‌دهد که صرفاً پشتیبانی مالی را مورد تأکید و تأیید قرار داده است. همچنین تحقیقات دیوسچر و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در همین زمینه یعنی حمایت مالی از ورزشکاران در دوران قبل و بعد از قهرمانی می‌باشد، این تحقیق حمایت مالی از ورزشکاران در زمینه‌های مختلف را عنوان نموده تا ورزشکار بدون دغدغه‌های حاصل از کمبودهای مالی بتواند در دوره ورزش خود با تمام وجود به ورزش بپردازد. اما عامل مالی با فراوانی ۱۶ نشان داد که عوامل مالی با تمام اهمیتی که دارند، ولی اولین و مهم‌ترین الویت در بازدارندگی از اقدام به دوپینگ نمی‌باشد.

و در نهایت با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر پژوهش با فراوانی ۷، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. این چنین به نظر می‌رسد که اقدام به پژوهش از اولویت کمتری نسبت به باقی زیر مؤلفه‌ها برخوردار است؛ اما می‌توان گفت در واقع این نتیجه به هیچ وجه از اهمیت آن نمی‌کاهد؛ بلکه نشان می‌دهد در صورتی که عوامل حیاتی‌تری چون ارتقاء سطح فرهنگ و اخلاقیات و آموزش و... مرتفع شوند، به‌طور حتم برای ارتقاء همین عوامل حیاتی، نقش پژوهش برجسته‌تر خواهد

1. Akers
2. Marthinus
3. Sotiriadou & Shilbury
4. De Bosscher

شد. لازوراس و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند که فقدان پژوهش و آگاهی ورزشکاران از خطرات و مشکلات دوپینگ یکی از عوامل سوق دهنده آنان به استفاده از مواد نیروزا و دوپینگ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که ورزش ایران و جهان به دوپینگ آلوده است. این آلودگی در کشور ما برخلاف برخی کشورهای پیشرفته، سازمان یافته نیست و گاهی از طرف خود ورزشکاران و هدایت نادرست مربیان ناشی می‌شود. تأثیرگذارترین فرد بر ورزشکار مربی می‌باشد. اما مقصر اصلی خود ورزشکار است و بیشترین آسیب متوجه خودش می‌شود. از سوی دیگر از هر ورزشکاری باید به اندازه توانش توقع و انتظار داشته باشیم. خانواده، مربی، داور، فدارسیون و کمیته ملی المپیک باید به این امر توجه داشته باشند و از توقعات بی‌مورد خودداری کنند. از دیگر مشکلات فردی که موجب گرایش به دوپینگ می‌شود، همچنین عدم اطمینان از آینده شغلی، شکسته شدن قبح دوپینگ در سنین کم و ورزش آماتور، عدم تسلط به زبان انگلیسی و اشتباه در ترجمه راهنمای استفاده از دارو، خوب تمرین نکردن و عدم آمادگی جهت حضور در مسابقات، تکرار قهرمانی، تأثیر دوستان و هم‌تمرینی‌ها، مشورت گرفتن از افراد ناآگاه و ترس از تماس با افراد مسئول و عدم آگاهی ورزشکار از لیست داروهای ممنوعه و نحوه استفاده از مکمل‌ها اشاره نمود.

منابع

- احمدیان، مهدی؛ اصلانخانی، محمدعلی و اصغری، معصومه (۱۳۹۶). «سطح آمادگی روانی و گرایش به دوپینگ در ورزشکاران»، ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران، تهران، انجمن روانشناسی ایران.
- اورنگ، امین (۱۳۹۴). «تعیین عوامل مؤثر در گرایش به مکمل‌ها و مواد نیروزا در باشگاه‌های ورزشی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دیوکان، بهزاد (۱۳۹۵). «مدیریت پیشگیری از دوپینگ (نقش فاکتورهای آموزشی، ورزشی و باورهای دینی بر مستعد دوپینگ بودن ورزشکاران نخبه)». اولین همایش ملی تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی»، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- زنگنه، مرتضی؛ ساریخانی، عادل؛ زنگنه، مسعود (۱۳۹۴). «مسئولیت کیفری ناشی از تجویز داروهای غیر مجاز (دوپینگ) در ورزش با نگاهی به قوانین ایران و فقه امامیه»، فصلنامه علمی- پژوهشی حقوق پزشکی. ۹ (۳۵): ۱۰۹-۱۲۳.
- شارع‌پور، محمود؛ کبیری، سعید؛ رحمتی، محمدمهدی؛ ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۹۷). فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزای غیر مجاز (دوپینگ) در بین ورزشکاران حرفه‌ای، شماره ۲، ۱۱۷-۱۳۸.
- کاشی، علی؛ نقیبی، سعید؛ شریعت‌زاده محمد؛ آقابابا، علیرضا (۱۳۹۶). «مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه شیوع مصرف مواد نیروزا در ورزشکاران ایرانی»، فصلنامه فیزیولوژی ورزشی ۹ (۳۶).
- کاویانی‌فرد، امین و کاویانی‌فرد، رامین (۱۳۹۸). «جایگاه اخلاق در جامعه‌ی ورزشی و سلامت روحی و روانی ورزشکار»، همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم ورزشی و سلامت، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
- Akers, R. L. (2010). "Nothing is as practical as a good theory: Social learning theory and the treatment and prevention of delinquency", In S. H. D. H. D. B. lo (Ed.), *Criminology and public policy: Putting theory to work* (pp. 84-105). Temple University Press, Philadelphia.
- Badea, d.n. (2016). "Social Determinants of Intention to Dope in Sports Clubs and Institutions". *Annals of Applied Sport Scienc*, vol. 4, no. 2, 33-40.
- Boardley, Jonathan Grix & John Harkin (2014). "Doping in team and individual sports: a qualitative investigation of moral disengagement and associated processes", *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*", DOI: 10.1080/2159676X.2014.992039.
- Coakley, J. (2015). "Assessing the sociology of sport: On cultural sensibilities and the great sport myth. *International Review for the Sociology of Sport*", 50, (5-4) 406-402.

- Copeland, R., & Potwarka, L. R. (2016). "Individual and contextual factors in ethical decision making: A case study of the most significant doping scandal in Canadian university sport shistory", *Sport Management Review*. Volume 19, Issue 1, pp: 61-68.
- De Bosscher, Veerle; De Knop, Paul; van Bottenburg, Maarten; Shibli, Simon; Bingham, Jerry. (2009). "Explaining international sporting success: An international comparison of elite sport systems and policies in six countries", *Sport Management Review*, 12(3): 113-136.
- Duncan, L. R., Hallward, L., & Alexander, D. (2018). "Portraits of adolescent athletes facing personal and situational risk factors for doping initiation", *Psychology of Sport and Exercise*, 39, 163-170.
- Engelberg, T., Skinner, J. (2016). "Doping in sport: Whose problem is it?" *Sport Management Review*, Volume 19, Issue 1, Pp: 1-5.
- Erickson, K., Backhouse, S.H., Carless, D. (2017). "I don't know if I would report them": Student-athletes' thoughts, feelings and anticipated behaviours on blowing the whistle on doping in sport", *Psychology of Sport and Exercise*", Volume 30, Pp: 45-54 .
- Erickson, K., McKenna, J., Backhouse, S.H. (2015). "A qualitative analysis of the factors that protect athletes against doping in sport. *Psychology of Sport and Exercise*", Volume 16, Part 2, Pages 149-155.
- Hodge, K., Hargreaves, E. A., Gerrard, D., & Lonsdale, C. (2013). "Psychological mechanisms underlying doping attitudes in sport: motivation and moral disengagement", *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 35, 419e432.
- Houlihan, B. (2014). "Achieving compliance in international antidoping policy: An analysis of the 2009 World Anti-Doping Code", *Sport Management Review*, 17(3), 265-276.
- Institute for Sport Physical Activity and Leisure. (2015). "Social psychology of doping in sport: a mixed-studies narrative synthesis", Prepared for the World Anti-Doping Agency.
- Kavussanu, M., Hatzigeorgiadis, A., Marie Elbe, A., Ring, CH. (2016). "The moral disengagement in doping scale", *Psychology of Sport and Exercise* 24 (2016) 188e198.
- Lazuras, L., Barkoukis, V., Mallia, L., Lucidi, F., & Brand, R. (2017). "More than a feeling: The role of anticipated regret in predicting doping intentions in adolescent athletes", *Psychology of Sport and Exercise*, 30, 196-204.
- Marthinus, J. (2007). "Psychological effects of retirement on elite athletics", Dissertation. Stellenbosch University, Stellenbosch, South Africa, pp: 61-65.
- Sánchez, M., SantaCruz, F., March, M., Zabala, M. (2015). "Attitude towards doping in Spanish Sport Sciences university students according to the type of sport practised: Individual versus team sports", *Science & Sports*, Volume 30, Issue 2, Pp 96-100.
- Sotiriadou, K; Shilbury, D. (2009). "Australian Elite Athlete Development: An Organizational Perspective", *Sport Management Review*. Vol: 12. P. 137-148.
- UNESCO. "International Convention on the Fight against Doping", Official Gazette: Number 18855-2009/11/21. Available at: <http://www.bahamasadc.com/Anti-Dopping%20Sports%20Act%202009.pdf>. Accessed April 5, 2014.
- WADA (2015). "World anti-dopingcode2015", Montreal: WADA Retrieved from <http://www.wada-ama.org/>

به این مقاله این گونه استناد کنید:

بیرانوند، محسن؛ رجبی نوش‌آبادی، حسین؛ سجادی، سیدنصرالله؛ حمیدی، مهرزاد (۱۴۰۰). «تحلیل کیفی عوامل بازدارنده مصرف مواد نیروزا در میان ورزشکاران»، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۱۱ (۲۱): ۱۳۹-۱۵۰.